

گزارشی از رویدادهای ترکیه:

معترضین ترک: "این تازه آغاز کار است!"

* منبع: ROAR Magazine (بازنشر گزارشی از نشریه‌ی شهروندی: WhatIsHappeningInIstanbul.com)

ترجمه: امین حسوری

خاستگاه اولیه‌ی این خیزش صدها تظاهرات کوچک صلح‌آمیز بود که در اعتراض به تخریب پارک گزی (Gezi) – یکی از معدود فضاهای سبز به جا مانده در مرکز استانبول – آغاز شد. {زیرا} طرح‌هایی برای جایگزینی این پارک با یک برج تجاری تازه در دست است. برخورد بسیار نامتناسب پلیس با تظاهرات صلح‌آمیز معترضان (به تخریب پارک Gezi) در عرض چند روز جرقه‌ای شد برای یک خیزش عمومی در سطح کشور. آنچه که ما از ساعات آغازین روز ۳۰ مه شاهد آن بوده‌ایم صرفاً نمایشی از عزم جمعی ساکنین استانبول در دفاع از حق‌شان برای مداخله در تصمیمات کلان‌شهری نبود، بلکه شورش بود با خاستگاه‌های گسترده علیه دولت محافظه‌کار اسلامی و نولیبرال ترکیه.

صدها هزار تن از مردم از رده‌های سنی و گرایش‌های سیاسی مختلف حول شعارهایی نظیر: «شانه به شانیه علیه فاشیسم» متحد شده و خواستار استعفای نخست‌وزیر ترکیه، رجب علی اردوغان، شده‌اند. به رغم سرکوب وحشیانه و بیرحمانه پلیس، اعتراضات به سرعت از استانبول به شهرهای آنکارا، ازمیر، آدانا، اسکی‌شهر، سامسون، کونیا و مرسین و سایر شهرها گسترش یافت. از همان آغاز اعتراضات، پلیس ترکیه ماشین‌های آب پاش و {پرتاب} گاز اشک آور را به طور گسترده علیه تظاهرکنندگان به کار گرفت؛ و خیابان‌های استانبول و شهرهای دیگر به میدان‌های نبرد تبدیل شد؛ {که به واسطه‌ی آن} تاکنون چند صد نفر راهی بیمارستان شدند و بر مبنای برخی گزارش‌ها چندین نفر نیز جان باخته‌اند.

همچنانکه این موج بی‌سابقه‌ی اعتراضات در سراسر ترکیه گسترش می‌یافت، یک بایکوت خبری محسوس اما غیر رسمی بر رسانه‌های جریان اصلی ترکیه حاکم بود. طی سال‌های اخیر سانسور رسانه‌ای در ترکیه افزایش یافته است. بر اساس گزارش «سازمان گزارشگران بدون مرز» ترکیه در سال ۲۰۱۲ به بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران بدل شده است. با این حال {به رغم این سکوت رسانه‌ای} معترضان موفق شدند تحرکات خود را سازمان دهند، که {این امر} عمدتاً از طریق رسانه‌های خرد و شبکه‌های اجتماعی بوده است.

به رغم خطرات آشکاری که از سوی نیروی پلیس افسار گسیخته {بر تظاهرکنندگان} تحمیل می‌شود، مردم بدون هراس راهی خیابان‌ها شده‌اند. اعتراضات جاری در ترکیه بی‌نظیر و تاریخی است؛ نه فقط به این خاطر که مردم در تعداد هر چه



بیشتری خواهان تخلیه خیابان‌ها از نیروهای پلیس ضدشورش شده‌اند، بلکه همچنین به این دلیل که این اعتراضات بیانگر امید به {ایجاد} جنبش اصیل مردمی، فراسوی دسته‌بندی‌های رایج سیاسی است.

معترضین جنبش «اشغال گزی» (Occupy Gezi) به هیچ رو جمعیتی همگن نیستند. این جنبش {اینک} شامل میلیون‌ها نفر از سراسر کشور است که در بردارنده‌ی پیر و جوان، چپ‌گرا و ملی‌گرا، لیبرال‌ها و پیروان کمال {آتاتورک}، طبقه متوسط و طبقه کارگر، دین‌دار و بی‌دین، همجنس‌گرا و ترانس‌سکشوال و نیز طرفداران فوتبال {و غیره} است که همگی آنها خواست جمعی مشترکی دارند: پایان دادن به اقتدارگرایی AKP (حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه). با اینکه هیچ سازمان سیاسی مرکزی این گروه‌ها را گرد هم نیاورده است، معترضین همبستگی عظیمی از خود نشان داده‌اند.

{نفس این} اعتراضات آنها را در کنار هم قرار می‌دهد. پدیده‌ی با هم بودن در این خیزش {خود به خود} آنها را متحد می‌سازد؛ آرزوی محافظت از فضاهای عمومی مشترک و مقاومت در برابر تصاحب این فضاها از سوی سرمایه‌های محلی و جهانی، آنها را قوی و نیرومند می‌سازد.

واکنش مردم نسبت به رویکرد گستاخانه پلیس در مواجهه با تظاهر کنندگان پارک گزی، پیامد {خشمی} انباشته‌شده از رشته‌ای از تهاجمات اخیر {دولت} علیه آزادی‌های پایه‌ای بود: [بمب‌گذاری و کشتار شهروندان در {شهر} روبوسکی](#) در دسامبر ۲۰۱۱؛ [تهاجم با بمب به شهر مرزی ریچانلی در ماه گذشته؛ محدودیت حقوق تناسلی زنان؛ سرکوب بزرگ تظاهرات اول ما مه؛ اعمال محدودیت‌های جدید بر عرضه‌ی مشروبات الکلی؛ دست‌اندازی سرمایه‌داری نولیبرال به آثار و بناهای فرهنگی و تاریخی نظیر \[ساختمان تئاتر ایمک \\(Emek\\)\]\(#\) و برخی نواحی بندری شهر استانبول نظیر کراکوی \(Karaköy\)، بشیکتاش \(Beşiktaş\) و کادیکوی \(Kadıköy\)؛ و تخریب زمین و مناطق مسکونی برای \[احداث سومین پل بر روی تنگه بسفر\]\(#\)، به رغم ابراز مخالفت عمومی نسبت به این پروژه. همه‌ی اینها در ایجاد نارضایتی‌های گسترده و اعتراضات کنونی سهیم بوده است.](#)

آنچه که در نگاه نخست تظاهرات ساده‌ای علیه قطع درختان به نظر می‌رسد، {در واقع} ناشی از محرومیت حاد و ناامیدی پر دامنه‌ی شهروندانی بود که سرانجام صبر و تحمل خود را نسبت به گرایش‌های استبدادی و آشکارا ضد دموکراتیک نخست وزیر اردوغان از دست داده‌اند؛ دولتمردی که از سوی نخبگان سیاسی حاکم بر جهان به مثابه سمبلی از دموکراسی عرضه و تبلیغ می‌شود.

امروز مردم در خیابان‌های ترکیه پیام آشکاری برای جهانیان می‌فرستند: دموکراسی صادر شدنی نیست! اردوغان به طور پر آوازه‌ای رهبران مستبدی مثل مبارک، قذافی و — اخیراً — بشار اسد را خطاب قرار داده است تا به صدای مردم خود گوش فرا دهند؛ اکنون {اما} زمان آن رسیده است که خود او به صدای مردم‌اش گوش بسپارد.

۲ ژوئن ۲۰۱۳



* نسخه‌ی اصلی این متن نخست در نشریه‌ی WhatIsHappeningInIstanbul.com منتشر شده است. این نشریه، ابتکاری مردمی در حوزه‌ی ژورنالیسم شهروندی برای پوشش دادن خیزش اخیر مردم ترکیه است که در جهت مقابله با رویه‌ی مسلط رسانه‌های جریان اصلی راه‌اندازی شده است.

مطلب فوق ترجمه ایست از این متن: [Defiant Turks: this is only just the beginning](#)

توضیح مترجم:

ترجمه این گزارش به معنی تایید تمامی دیدگاه‌های ارائه شده در آن نیست. مشخصاً مترجم خاستگاه‌های این جنبش اعتراضی را وسیع‌تر از آنچه در این متن ذکر شده است می‌داند. برای مثال در این گزارش به زنجیره‌ی اعتراضات گسترده‌ی دانشجویی در برخی دانشگاه‌های ترکیه و یا به سرکوب نظام‌مند برخی سازمان‌های چپ‌گرا در سال گذشته اشاره‌ای نشده است. برای مرور مختصری در این موارد برای نمونه رجوع کنید به این نوشته:

[بررسی اجمالی زمینه‌ی شکل‌گیری اعتراضات کنونی در ترکیه | سولماز بهرنگ](#)

همچنین مترجم اشکال مقاومت خیابانی و شیوه‌های سازمان‌یابی این اعتراضات را صرفاً امری خودانگیخته و خودجوش نمی‌انگارد؛ بلکه در کنار خلاقیت‌های خودانگیخته، گسترش موفقیت‌آمیز آنها را متاثر از مادیت‌یابی انباشت تجربیات مبارزاتی فعالین و سازمان‌های سیاسی ترکیه طی سال‌های گذشته می‌داند؛ همچنانکه متاثر از بازآموزی فعالین سیاسی از تجربیات خیزش‌های مردمی سال‌های اخیر در منطقه و در سایر کشورها. ضمناً واقعیت فراحزبی و غیر ایدئولوژیک بودن آغازین این شورش‌ها، لزوماً به معنای غیر ایدئولوژیک ماندن آنها و یا به معنای نفی ضرورت دخالت‌گری ایدئولوژیک در آنها نیست. کما اینکه در خیزش‌های بهار عربی نیز در همه‌ی موارد، نمایندگان نظم جهانی با تمام قوا در جهت مهار گرایش‌های ضد سرمایه‌داری در درون این جنبش‌ها و تحمیل انگاره‌های ایدئولوژی مسلط بر روند پویا آنها کوشیدند؛ خواه از طریق نفوذ در دولت‌ها و ارتش‌ها و احزاب محلی، خواه از طریق بمباران رسانه‌ای مردم و حمایت‌های تمام‌قد از گروه‌های سیاسی همسو (تحت پوشش دفاع از حقوق بشر و دموکراسی) و خواه از طریق تجهیز شبکه‌هایی از مزدوران بنیادگرا.

** لینک گزارش تصویری ضمیمه‌ی متن:

<http://vimeo.com/67432788#at=0>